

۱۰۲۴۳۴۶
۹۸، ۱۱، ۷

مقدماتی بر روانکاوی لکان

منطق و تئوپولژی



ترجمه و تالیف: دکتر کرامت مؤللی



سرشناسه: مولی، کرامت‌الله، ۱۳۲۷، گردآورنده، مترجم
عنوان و نام پدیدآور: مقدماتی بر روانکاوی لکان منطق و توپولوژی / ترجمه و تألیف کرامت مولی.

مشخصات نشر: تهران: دانژه، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۲۶۴ ص.

شابک: 978-600-5510-24-9

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: کتاب حاضر ترجمه چندین مقاله به زبان فرانسه است.

یادداشت: واژه‌نامه.

یادداشت: کتاب‌نامه: ص ۲۳۹ - ۲۴۰، همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: لکان، ژاک، ۱۹۰۱ - ۱۹۸۱، نقد و تفسیر.

موضوع: روانکاوی

موضوع: توپولوژی

موضوع: منطق

رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۸ م/۸۴۷/۱۷۳ BF

رده‌بندی دیوئی: ۱۵۰/۱۹۵۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۰۴۰۶۲

عنوان: مقدماتی بر روانکاوی لکان

مترجم و تألیف: دکتر کرامت مولی

صفحه: ۲۶۴، تراشیده، رافیک‌ای اوشیا

نشر: دانژه

لیتوگرافی، چاپ، صحافی: طیف‌گار

شمارگان: ۲۲۰

قطع: رقعی

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

نوبت چاپ: چاپ اول ۱۳۸۸ - دوم ۱۳۸۸

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۰-۲۴-۹

کتابه حقوق برای ناشر محفوظ است.

تهران: خیابان استاد مطهری - خیابان سلیمان خاطر (امیراتاپک)، کوچه اسلامی، شعبه ۱، کدپستی: ۱۵۷۸۶۳۵۸۱۱ صندوق پستی: ۱۴۱۵۵-۱۴۱۶۴ تلفن: ۸۸۸۸۶۱۴۸ - ۸۸۸۸۶۱۴۹ تلفکس: ۸۸۸۱۳۰۸۳

فروش اینترنتی و آشنایی با نشر دانژه در:

www.iketab.com

e-mail: danjehpub@hotmail.com

www.danjehpub.com

فهرست

صفحه	عنوان
۵	پیشگفتار
۲۱	فصل اول: منطق اسماء دلالت
۲۴	لین و فرگه
۴۰	غیر بمنوا: مکان یا جایی که نه‌ای غیر
۴۴	نمودار آر (P)
۴۹	استعاره پدری
۵۱	ذکر، مدلولی جدید
۵۲	هذیان جانسین فانتسم
۵۶	سهم پسیکوز در آموزش روانکاوان
۵۸	لفظ چیست و هذیان کدامست
۶۱	رابطه جنسی امری است ممنوع
۶۴	پاراذکس غیر
۶۹	روانکاوی و بن بست‌های منطقی
۷۵	تناقض ذاتی غیر
۷۶	ورای توتیم و تابو
۸۴	منطق موجّهات
۸۸	اولویت قضایای وجودیه
۹۱	چند نکته اساسی
۹۴	تفاوت جنسی
۱۰۵	فصل دوم: منحنی آرزومندی
۱۰۸	تشکل مجازی مطلوب آرزومندی
۱۱۶	از نیازهای حیاتی تا آرزومندی غیر
۱۲۰	ارجاع به ذکر
۱۳۳	تشکل جامع منحنی آرزومندی

۱۴۵	فصل سوم: سطوح موضوعی
۱۵۰	مکانیسم انطباق هویت (جنبه، کلاه چُندک)
۱۶۹	کلاه چُندک یا کلاه بوغی آسقی
۱۸۱	کلاه چُندک و فانتسم‌های اساسی فرد نوروتیک
۱۸۴	بُطری کلین
۱۹۷	فصل چهارم: گره بُرومه‌ای
۲۱۷	مؤثره
۲۲۱	عماات ابتدائی
۲۲۴	نامحدودهای قابل شمارش و نامحدودهای متصل
۲۲۶	گروه‌ها
۲۲۸	مفاهیمی - اندازه‌ها موضوعی
۲۳۹	فضای متریک
۲۳۳	تداوم و تشابه صور
۲۳۵	فضای درهم فشرده
۲۳۹	مراجع
۲۴۱	واژه‌نما
۲۵۱	موضوع‌نما
۲۶۱	نام‌نما

پیشگفتار

در این کتاب همواره سعی بر آن بوده است که از استعمال کلمات «من درآوردی رایج» اجتناب شده الفاظ و اصطلاحات در حد معقولیت و روح زبان فارسی و با توجه به سوانح و تنوع فرهنگی آورده شوند. این نکته یکبار دیگر ایجاب می‌کند که اندکی در وضع زبان فارسی و هرج و مرج موجود در ترجمه‌های متداول تأمل کنیم. در جوامع مختلف همواره تدریس زبان‌های خارجی با تعلیم و آموزش فرهنگ و تمدن کشور مورد نظر توأم می‌باشد. حال آنکه آموختن زبان‌های خارجی در ایران بر چنین اساسی استوار نیست و غالباً زبان‌ها بدون ارجاع به زمینه فرهنگی آنها آموخته می‌شوند. مترجمین ایرانی را میتوان بطور کلی به دو دسته عمومی تقسیم کرد. آن دسته زبان خارجی را در ایران فراگرفته‌اند و دسته دیگر که به کسب آنها در کشورهای خارجی نائل آمده‌اند.

در مورد دسته اول می‌توان گفت که از وجه زنده زبان بدانجو که در میان افراد متکلم بدان رواج دارد بکلی بدور بوده نمی‌توانند نوسانات و زیربوم‌های فرهنگی و بومی را که در بطن زبان قرار دارد درک و فهم نمایند. لذا ترجمه به اصطلاح «بضرب» فرهنگ لغات انجام می‌گیرد، فرهنگ‌هایی که خود مملو از خطا و اشتباهاتی فاحش می‌باشند.

دسته دوم از مترجمان کسانی هستند که به کشورهای غربی رفته و زبان را در آنجا آموخته یا تکمیل کرده‌اند. در اینجا است که می‌بایستی بمطالعه عمیقی از لحاظ جامعه‌شناسی پرداخته دریافت که جوامع ایرانیان خارج از کشور چه نسبت و رابطه‌ای با جوامع میزبان ایجاد می‌کنند که البته واجد تنوعی بسیار است. چنین بحثی نه در مجال این پیشگفتار است و نه در صلاحیت نویسنده این سطور. در هر حال نکته مهم اینکه نمی‌توان به این فکر باطل دلخوش ساخت که آموختن زبان در خارج از کشور فارغ از هر مشکلی بود. دلیلی بر تسلط بر آن زبان است. تعداد افرادی که در خارج همچنان در گروهای فرهنگی خاص خود زندانی مانده قادر به گشایش روحی لازم نسبت به فرهنگ بشر میزبان نیستند نادر نیست. حال آنکه یک چنین گشایشی است که مترجم حتی ضامن نسبتی حقیقی با فرهنگ خود ما باشد. هلدرلین اسر معروف آلمانی که بارها آلمان را بقصد اقامت در فرانسه ترک کرد در این باره سخن خالصانه تأمل دارد. میگوید حال که از موطن خود بدور هستیم احساس می‌کنیم که در یک جامع تر از بطن و ماهیت زبان آلمانی داشته می‌توانیم با آن نسبتی راسخین تر برقرار سازیم.

هرزبانی واجد نحو تفکر و نسبت خاصی با عالم و آدم است. مترجم می‌بایستی قادر باشد بدون عاریت گرفتن تصنیفی نحوه تفکر موجود در زبان مورد ترجمه مطالب را در قالب نحوه تفکر و نسبت خاص زبان خود پیاده کند یعنی بر آن نشود که زبان خود را با تعبیری که خاص زبان دیگری است تحریف و تخریب کند. اینست معنی واقعی گشایشی که از آن سخن رفت. نتیجه عدم رعایت این اصل بدیهی اینست که نه تنها متون برداشته شده به زبان فارسی غالباً «بوی» ترجمه را می‌دهند بلکه از لحاظ نحوی و ساختار ساختمان خاص جملات در زبان فارسی نمی‌باشند. این امر بنحوی فاحش‌تر در انتخاب زمان افعال و توالی آنها دیده می‌شود.